

انجمن اقتصاددانان ایران

آینده ساختنی است، نه یافتنی



«برای جا نماندن از قافله توسعه، بایستی با جدیت تحقق اهداف سند چشم‌انداز ۲۰ ساله را دنبال کنیم.»

ارزش‌های آن کشور، تمام امکانات، توانمندی‌ها، منابع و ظرفیت‌های آن کشور در زمینه‌های مختلف فرهنگی، اقتصادی، سیاسی و اجتماعی در تلویزین این سند لحاظ می‌گردد. دبیر کمیسیون زیربنایی و تولیدی مجمع تشخیص مصلحت نظام در خصوص چالش‌ها و مشکلات ترسیم و اجرای سند چشم‌انداز کشورمان، به مواردی چون ساختارهای نامتعارف در بازار کار، نرخ بیکاری بالا، بهره‌وری پایین عوامل تولید، تفاوت در قدرت خرید گروه‌های مختلف، سهم پایین منابع انسانی در تولید و ثروت ملی و وابستگی دولت به درآمدهای نفتی اشاره کرد و افزود: شکاف‌هایی نیز در حوزه فکری بین نسل‌های گذشته و امروز و حتی با نسل‌های آینده وجود دارد که به عنوان نقطه ضعف محیط داخلی در مسیر تدوین و اجرای سند چشم‌انداز با آن روبه‌رو خواهیم شد. از سوی دیگر، جامع نبودن نظام تأمین اجتماعی، نابرابری‌هایی که از لحاظ شاخص‌های توسعه در بین مناطق مختلف کشور وجود دارد، ناکارآمدی حوزه تولید علم و تحقیق و کاربردی نبودن تولید ثروت و قدرت، مجموعه‌ای از نقاط ضعف کشور در محیط ملی برای تحقق اهداف سند چشم‌انداز ۲۰ ساله محسوب می‌شوند.

وی با تقسیم محیط چشم‌انداز به محیط نزدیک یا منطقه‌ای و محیط دور یا بین‌المللی، تصریح کرد: از جمله فرصت‌هایی که در این محیط با آنها مواجه هستیم، می‌توان به جهانی شدن که هم فرصت و هم تهدید تلقی می‌شود، موقعیت ژئوپولیتیک ایران، حوزه تمدن ایرانی - اسلامی که از آسیای میانه و قفقاز تا خلیج فارس و حتی کشورهای همسایه شرقی و شبه قاره هندوستان گسترده شده است، اشاره کرد. در مقابل، از تهدیدهای محیط بین‌المللی می‌توان از تضاد منافع با رژیم اشغالگر قدس و تلاش و برنامه‌ریزی کشورهای غربی برای جذب نیروی انسانی و مغزهای کشور ما و نیز عدم ثبات سیاسی در کشورهای پیرامون، نام برد. وابستگی کشور به نفت و وابستگی غرب به نفت خاورمیانه و نوسانات غیرقابل پیش‌بینی در بازارهای جهانی و تأثیر آن بر درآمدها و توسعه ملی کشورمان نیز می‌تواند بر سند چشم‌انداز ۲۰ ساله اثرگذار باشد.

به گفته وی، در میان کشورهای منطقه، عربستان از جمله کشورهایی است که برای خود چشم‌اندازی را مشخص کرده است که تنوع و تحول در اقتصاد، توسعه بخش خصوصی و گسترش مراقبت‌های بهداشتی و رفاه اجتماعی و غیره را با یک سری معیارهای تعیین شده، تحقق می‌بخشد. به همین دلیل، عربستان در حوزه جهان اسلام، رقیب ایران محسوب می‌شود. لذا بایستی با جدیت بیشتری در تحقق اهداف و برنامه‌های سند چشم‌انداز ۲۰ ساله کشور همت کنیم تا از قافله توسعه عقب نمانیم. ■

آنها، تدابیر و پیش‌بینی‌هایی انجام می‌شود. دبیر کمیسیون زیربنایی و تولیدی مجمع تشخیص مصلحت نظام در ادامه در خصوص ارتباط برنامه‌ها و اهداف چشم‌انداز با مبانی ارزشی و آرمان‌ها، گفت: چشم‌انداز هر جامعه یا سازمانی باید با مبانی ارزشی، نیازها، آرزوها و آرمان‌های آن جامعه یا سازمان سازگاری داشته باشد. به گفته وی، برخی کشورهای جهان، چشم‌انداز یک قرن آینده خود را نوشته‌اند که ژاپنی‌ها در این زمینه سرآمد هستند، چراکه آنها برای قرن ۲۱ خود چشم‌انداز نوشته‌اند. اما بیشتر دولت‌ها برای افق‌های ۱۵ تا ۳۰ ساله کشور خود چشم‌انداز نوشته‌اند.

مبیینی دهکردی تصریح کرد: چشم‌انداز اصولاً برآیندی است از ضعف‌ها و قوت‌ها و چالش‌ها و فرصت‌ها در محیط داخلی و محیط خارجی که برای رسیدن به یک سری اهداف معین، در یک دوره زمانی مشخص - با لحاظ کردن تغییرات و تحولات محیطی - تنظیم می‌شود. البته این سند باید به همه جامعه اختصاص داشته باشد تا بتواند به عنوان یک سند ملی، مشوق آفرین و انگیزه‌بخش باشد. به عبارت دیگر، همه آحاد جامعه باید به آن احساس تعلق داشته باشند. در عین حال، این سند باید پویا باشد، چراکه در بستر تحولات قرار دارد و باید قابلیت برخورد با تغییرات را داشته باشد. در نهایت، سند چشم‌انداز باید یک تصویر مطلوب از اهداف ممکن را به تصویر بکشد. وی در مورد دیگر ویژگی‌ها و پیامدهای یک سند چشم‌انداز مطلوب، گفت: این سند باید رفاہ آفرین بوده و جامعه را از تعارضات، ناسازگاری‌ها و رقابت‌های مخرب خارج کرده و در سطح ملی موجب عزم و یکپارچگی ملی گردد. به علاوه، در صورت بروز هرگونه تغییر، باید بتوانیم با بازخوردهایی که دریافت می‌کنیم، در جهت اصلاح مسیر اقدام کنیم. در حقیقت، یک رابطه دیالکتیکی بین حوزه تفکر و حوزه برنامه باید برقرار شود که نتیجه آن برای مدیریت و اجرای بهتر سند در اختیار مدیریت راهبردی قرار می‌گیرد.

قائم مقام معاونت نیروی انسانی وزارت نفت در مورد مدل سند چشم‌انداز جمهوری اسلامی، تصریح کرد: در مدل جمهوری اسلامی باید محیط را در کنار آرمان‌ها، نظریه‌ها و روندها لحاظ می‌کردیم. در عین حال، محیط را به محیط ملی یا داخلی و محیط بین‌المللی یا خارجی تفکیک کردیم. اما از آنجایی که همه عوامل محیطی بر ما اثرگذار نیستند و اگر اثرگذار باشند، هم‌وزن نیستند، بنابراین باید عوامل محیطی را انتخاب می‌کردیم تا بتواند ما را در مسیری که در آینده می‌خواهیم انتخاب کنیم، کمک کرده و بیشترین تأثیر را داشته باشد.

دکتر مبینی با تأکید بر ضرورت جامع‌نگر بودن برنامه‌های چشم‌انداز، افزود: وقتی برای یک کشور سند چشم‌انداز تهیه شود، علاوه بر توجه به آرمان‌ها و

در دومین جلسه انجمن اقتصاددانان ایران در سال جدید که پنجشنبه ۲۷ اردیبهشت ماه در تالار همایش‌های اتاق بازرگانی و صنایع و معادن ایران برگزار شد، دکتر علی مبینی دهکردی، دبیر کمیسیون ویژه تدوین الزامات سند چشم‌انداز ۲۰ ساله کشور، در خصوص مفهوم، ویژگی‌ها، الزامات و فرصت‌ها و تهدیدهای سند چشم‌انداز ۲۰ ساله ایران، سخن گفت. دکتر مبینی دهکردی در ابتدا در راستای تبیین مفهوم چشم‌انداز و رویکرد جمهوری اسلامی، به طرح این سؤالات پرداخت که چرا چنین مفهومی وارد ادبیات سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی کشورمان شده است و آیا ورود این مفهوم، یک انتخاب بود، یا ضرورت و یا هر دو؟ آیا ایران ظرفیت قرار گرفتن در قله‌های توسعه جهانی را دارد، یا خیر؟ چه عوامل و دلایلی باعث شده تا کشورمان در جایگاه واقعی خود که استحقاقش را دارد، قرار نگیرد؟

دکتر مبینی در پاسخ به پرسش‌های یادشده، گفت: یکی از مشکلات عمده کشور مادر برنامه‌ریزی و تدوین الگوها، توجه به رویکردهای گذشته‌نگر و بی‌توجهی به رویکردهای آینده‌نگر می‌باشد. به علاوه، در جامعه ایران برنامه‌های اجرایی در قالب برنامه‌های چندساله، هیچگاه جایگاه مشخصی نداشته‌اند. اما خوشبختانه امروز سند چشم‌انداز ۲۰ ساله جمهوری اسلامی، با بررسی و تحلیل روند کشور از گذشته تا به امروز و آینده‌نگری برای آن با توجه به آرمان‌ها و ارزش‌های جامعه، ترسیم شده است. وی در توضیح ویژگی‌های یک سند چشم‌انداز کامل و پویا، تصریح کرد: این سند باید بر اساس عوامل و متغیرهای محیطی، قابلیت انعطاف و انطباق داشته و هر تصویری را از پایه کند که علاوه بر دست یافتنی بودن، هر ایرانی در هر گوشه‌ای از این سرزمین که زندگی می‌کند، بتواند سهم خود را پیدا کرده و در تحقق و اجرای سند، مشارکت نماید. این سند همچنین باید موقعیت کشورمان را در پهنه جهانی تعریف کند.

مبیینی دهکردی افزود: اولین چیزی که باید در یک سند چشم‌انداز به آن توجه شود، آینده‌نگری است - البته با این رویکرد که آینده ساختنی است، نه یافتنی. در واقع، باید ببینیم رویکرد ما بر اساس پیش‌بینی است، یا بر اساس آینده‌نگری. اگر بر اساس روند تعمیم گذشته به حال و حال به آینده حرکت کنیم، باید رویکرد پیش‌بینی را دنبال کنیم. در این حالت، روندها و الگوهای اقتصادی نسبی تعمیم گذشته به حال و حال به آینده، مطرح می‌شود. اما نواقصی در این رویکرد وجود دارد. برای مثال، اگر تغییرات و تحولات پارادایمیک شکل بگیرد و یک دفعه پارادایم‌ها و قواعد تغییر کنند، آن وقت کاری نمی‌توان کرد، چراکه در این رویکرد برای آنها پیش‌بینی صورت نگرفته است. اما در رویکرد آینده‌نگر، این تغییرات دیده شده و برای مواجهه با